

A Study of the Role of Time in Public Policy Making¹

Maqsood Ranjbar¹, Ali Akbar Nedaei²

¹Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran (**Corresponding Author**), maghsoodranjbar@gmail.com

²PhD., Student in Public Policy, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
ernesto8036@yahoo.com

Abstract

The purpose of the present study is to review the role of time in public policy making. The main research question is why we should pay attention to time in the formulation and execution of policies. The method of study is descriptive analysis and the results showed that the formulation and execution of policies are procedures which basically analyze the adopted policies in terms of time, cost, and resources so that we can undertake measures to decrease their needed time if possible. This subject becomes significant and complicated where lengthy time delay occurs in approving some plans and policies due to various structures involved in the legislation. The policy maker should avoid these harms by paying special attention to time in each of the stages of policy making from recognizing the problem to formulation, execution, and evaluation of the policies in the policy making circles to enhance their efficiency and efficacy.

Keywords: Public Policy Making, Time, Decision-making.

I. Received: 2020-12-31 ; Revision: 2021-02-03 ; Accepted: 2021-03-19

© the authors

<http://se.journal.qom-iau.ac.ir/>

Publisher: Qom Islamic Azad University



بررسی نقش زمان در سیاست‌گذاری عمومی^۱

مقصود رنجبر^۱، علی اکبر ندائی^۲

^۱ استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران
maghsoodranjbar@gmail.com (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری عمومی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.
ernesto8036@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش زمان در سیاست‌گذاری عمومی است. سوال اصلی پژوهش این است که چرا باید به زمان در تدوین و اجرای سیاست‌ها اهمیت داد؟ روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که تدوین و اجرای سیاست‌ها فرآیندهایی هستند که در آن سیاست اتخاذ شده باید از لحاظ زمان، هزینه‌ها و منابع، به دقت در ابتدای امر بررسی و تحلیل گردند، تا در صورت امکان به کاهش زمان این فرایندها اقدام نمود. موضوع در جایی مهم و بغرنج می‌گردد که زمان در تصویب طرح‌ها و برخی سیاست‌ها که نیاز به قانونی شدن دارند، به علت وجود ساختارهای متعدد دخیل در امر قانونگذاری طولانی می‌شود. سیاست‌گذار باید با بذل توجه ویژه به زمان در هر مرحله از سیاست‌گذاری از شناخت مشکل گرفته تا تدوین، اجرا و ارزیابی سیاست به عنوان چرخه‌های سیاست‌گذاری از این آفت‌ها و آسیب‌ها دوری نماید تا بر اثربخشی و کارآمدی سیاست‌ها بیافزاید.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری عمومی، زمان، تصمیم‌گیری.

۱. پژوهش حاضر برگرفته از: رساله دکتری علی اکبر ندائی با عنوان «بررسی و ارزیابی سیاست‌گذاری عمومی در ایران بر مبنای بسترهای زمانی بعد از انقلاب»، استاد راهنما: مقصود رنجبر، ارائه شده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم در سال ۱۳۹۹ است.

استاد به این مقاله: رنجبر، مقصود؛ ندائی، علی اکبر (۱۴۰۱). بررسی نقش زمان در سیاست‌گذاری عمومی. سپهر سیاست، ۹(۳۱)، ص ۲۵-۴۶. DOI: 10.22034/sej.2021.1919369.1286

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۱؛ تاریخ اصلاح: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۹

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

۱. مقدمه

ما در قالب زمان به سر می‌بریم و سیاست دولت‌ها نیز در این قالب تدوین و اجرا می‌شود. سیاست‌گذاری درست و مطلوب، نیازمند بررسی همه جوانب و لحاظ نمودن همه عوامل و شرایط دخیل در این امر مهم است. یکی از این عوامل مهم که تاثیر آن بسیار مهم می‌باشد، اما به طور خودآگاه بدان اهمیت داده نمی‌شود، عامل زمان است و همه مدعی ملحوظ داشتن آن در سیاست‌گذاری هستند و آن را امری بدیهی و پیش پا افتاده می‌دانند، اما در عمل، عامل زمان را در زمان شروع یک امر و زمان پایان آن در نظر دارند. یعنی چه زمانی به امری رسیدگی نمایند و در چه مدت و زمانی آن را انجام داده و به پایان برسانند.

پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سوال است که چرا باید در تدوین و اجرای سیاست‌ها به زمان اهمیت داد؟ عدم توجه به این عامل چه پیامدی دارد؟ پژوهش بر این فرضیه استوار است که توجه به عامل زمان و میزان اثرگذاری آن در مراحل مختلف سیاست‌گذاری در کارآمدتر و اثربخش‌تر نمودن سیاست‌ها تاثیری غیرقابل انکار دارد. این کارآمدی و اثربخشی می‌تواند از به موقع بودن شناخت و درک یک مشکل تا به موقع بودن یک سیاست‌گزینی و نیز طول زمان اجرا و ارزیابی و پدیدار شدن اثرات آن را در بر گیرد. لذا، در این پژوهش اهمیت زمان در فرآیند سیاست‌گذاری بررسی شده و به آثار منفی لحاظ نکردن زمان پرداخته شده است. سیاست‌گذاران و سیاست‌پژوهان با مطالعه و بررسی زمان در بستر تاریخ و دوره‌های تاریخی و سیر در زمان گذشته، قادر به شناسایی موضوعات گذشته که شباهت‌هایی با مشکلات کنونی دارند، خواهند بود. تحلیل و تبیین مسائل، کمک بزرگی به راه‌حل‌گزینی نموده و در این فرآیند می‌توانند از شباهت‌شناسی استفاده نمایند و در تصمیم‌گیری با «آسمان خالی» روبرو نشوند. از سویی باید سیاست‌گذار به پیامدها و نتایج ناخواسته سیاست‌های امروز خود بیاندیشد و در تحلیل سیاست‌ها که در مرحله تدوین و راه‌حل‌گزینی انجام می‌گیرد، به پیامدهای مثبت و منفی سیاست‌ها بپردازد و از پیامدهای منفی ناخواسته آن با توجه به زمان و شرایط، دوری نماید. درست است که این پیامدهای ناخواسته منفی ممکن است در زمان مسئولیت او به دلیل مدت محدود مسئولیت رسمی اشخاص رخ ننماید و ظاهر نشود، اما باید آگاه بود که خواه‌ناخواه این پیامدها در افق‌های زمانی بلندمدت ظاهر خواهد شد و دامن‌گیر سیاست‌گذاران آینده خواهد شد. بنابراین، درک شرایط زمانی برای سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌ها، از اهمیت ویژه‌ای در موفقیت هر تصمیم‌خرد و کلان دارد که در نظام سیاست‌گذاری ایران آگاهی چندانی در خصوص آن وجود ندارد. پژوهش حاضر متکفل

طرح این موضوع در سیاست‌گذاری ایران بوده و عمدتاً هم جنبه تئوریک دارد تا نوعی حساسیت آگاهانه در خصوص زمان، در فضای سیاست‌گذاری عمومی شکل بگیرد و فتح باب مناسبی باشد، تا در حد توان، خلاء محسوس در مورد عدم وجود اثری مدون در میان کتب و مقالات مربوط به رشته جدید سیاست‌گذاری عمومی را پر نموده و محرک توجه بیشتر و قلم زدن بیشتر درباره این عامل مهم باشد.

۲. پیشینه تحقیق

در رشته‌های مختلف از جمله مدیریت، فلسفه و جامعه‌شناسی به زمان اشاره شده است، اما در رشته سیاست‌گذاری عمومی، بسیار گذرا به عامل زمان، و آن هم فقط در خلال برخی از چرخه‌های سیاست‌گذاری پرداخته شده است. در این رشته نوظهور کتاب و یا مقاله‌ای به صورت مجزا و منفرد به عامل مهم زمان اختصاص نیافته و این پژوهش می‌تواند با وارد نمودن این عامل به صورت مدون در قالب مقاله در سیاست‌گذاری، یک نوع نوآوری محسوب گردد و این فقر نوشتاری را تا حدی جبران نماید. در بررسی‌های انجام شده، آثار پژوهشی اندکی در قالب سیاست‌گذاری عمومی که به عامل زمان پرداخته‌اند، یافت شد.

ملک محمدی (۱۳۹۴)، در «کتاب مبانی و اصول سیاست‌گذاری عمومی» به زمان به عنوان مانعی پیش روی ارزیابی‌ها اشاره کرده است. وی نشان می‌دهد که زمان به‌مثابه عامل‌گنندگان مرحله ارزیابی است.

وحید (۱۳۸۸)، در کتاب «سیاست‌گذاری عمومی»، به محدودیت‌های زمانی، فکر و هزینه‌ها اشاره کرده و آن‌ها را مانع معین کردن تمام راه‌حل‌های ممکن و موجود در شناخت آثار و پیامدهای آن‌ها می‌داند. همچنین به بررسی تفاوت موجود میان زمان مورد نیاز برای انجام طرح‌های آزمایشی و زمان لازم برای تصمیم‌گیری طرح‌ها پرداخته است.

در مجموع، اثر منفرد و مشخصی که در زمینه رشته سیاست‌گذاری عمومی به عامل زمان پرداخته باشد، یافت نشد، بنابراین، پژوهش حاضر می‌تواند گامی نخست در این مسیر باشد.

۳. رجوع به گذشته برای شناخت سیاست‌ها و محیط اجرایی

برای تصمیم‌گیری بهتر، نیازمند رجوع به زمان که در قالب دوره‌ها و عصرها در زمان گذشته که تاریخ نام دارد، هستیم. با رجوع به زمان گذشته و تاریخ و تحلیل آن، می‌توان به کسب اطلاعات از چگونگی مواجهه با مشکلات و روش‌ها و سیاست‌های اتخاذ شده برای رفع آن‌ها و همچنین

چگونگی اجرا پرداخت و از تاریخ سیاست‌گذاری‌ها کسب تجربه کرد.

داشتن آگاهی از تاریخ، به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا برنامه‌های در دست اجرای خویش را بهتر بشناسند، زیرا برنامه‌ای از قبل موجود که آن‌ها در حال حاضر، مجری‌اش هستند، انتخاب آن‌ها نبوده، بلکه این انتخاب طی چند ده سال پیش اتفاق افتاده است. فهمیدن اینکه چه کسی، چه کاری را، چه موقع و چرا انجام داده است، اطلاعات مفیدی برای کسی است که با یک برنامه در حال تغییر روبرو است (رز، ۱۳۹۰، ص ۹۲).

سیاست‌گذاران با مطالعه تاریخ و سیر در زمان گذشته، قادر به شناسایی موضوعات گذشته که شباهت‌هایی با مشکلات کنونی دارند، خواهند شد. تحلیل و تبیین مسائل، کمک بزرگی به راه‌حل‌گزینی نموده و در این فرآیند می‌توانند از شباهت‌شناسی استفاده نمایند و در تصمیم‌گیری با «آسمان خالی» روبرو نشوند.

شباهت‌شناسی^۱ روشی آسان و سریع برای درس‌آموزی از گذشته است. شباهت‌های تاریخی بر این ویژگی مهم تکیه می‌کند که هم مسائل گذشته و هم مسائل جاری، نقاط اشتراک داشته و اینکه هر دو، ویژگی‌های مشترک دیگری هم دارند. اگر مسئله‌ای که در گذشته وجود داشت، با موفقیت حل شده باشد، آنگاه شباهت‌شناسی، دانشی مثبت درباره راهنمایی تصمیمات جاری برای عملکرد در آینده فراهم می‌آورد (رز، ۱۳۹۰، ص ۹۳).

همچنین برای شناخت عناصر و دوره‌های زمانی سیاست‌های بکار گرفته شده در سیاست‌گذاری و شناخت و تبیین گفتمان‌های مسلط در هر دوره نیز رجوع به زمان گذشته و تاریخ می‌تواند مثر و ثمر واقع شود، زیرا سیاست‌ها نیز حالت انباشتی داشته و در طول دوره‌های زمانی مختلف، تغییر یا تکامل یافته‌اند.

بررسی و شناخت اکثر محیط‌های عمومی نیاز به آگاهی از اوضاع و شرایط موجود در آن‌ها طی دوره‌های زمانی مختلف دارد. به عبارت دیگر، به دلیل وجود تسلسل در ایجاد تغییرات محیط عمومی، اتخاذ هر تصمیمی نیازمند آگاهی از نوع و شرایط حاکم بر تصمیمات گذشته می‌باشد، زیرا در محیط‌های عمومی، آینده همواره معلول گذشته است و تغییرات آینده باید همسو با تغییرات گذشته باشد. غالباً تصمیمات گذشته با اندک تغییراتی برای ایجاد تحول در امور حال و آینده محیط‌های عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرند (مشبکی، ۱۳۷۳، ص ۱۰).

برای حرکت به سوی آینده باید مانند رانندگی در یک خودرو، از طریق آینه به عقب مسیر نگاه بباندازیم و رو به جلو حرکت نماییم. پس، حرکت به سوی آینده مستلزم نگاه به گذشته است تا با توجه به مسیر طی شده در گذشته، حرکت به سوی آینده را ادامه دهیم و گاهی به تصحیح آن بپردازیم و از اشتباهات و خطاهای گذشته درس بگیریم و آن‌ها را تکرار نکنیم. بنابراین، نگاه به گذشته می‌تواند ما را از تکرار اشتباهات دیگران مصون نگاه دارد.

در دانش جدید خط‌مشی‌گذاری سازمان‌دهی باید به گونه‌ای باشد که از تاریخ و گذشته سرمشق بگیریم، اما از تغییرها و تحولات زمان نیز دور نماییم. آینده - به طور قطع - مانند گذشته نیست، اما رشته‌هایی آینده را به گذشته وصل کرده‌اند که بسیار قوی و مستحکم هستند. ما می‌توانیم آینده را با توجه به گذشته بسازیم، در حالی که ممکن است آنچه ساخته‌ایم، با گذشته بسیار متفاوت باشد (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۶، ص ۱۶۴).

۳-۱. زمان در دستور کار سیاست‌گذاری

وقتی به تقدم و تأخر رسیدگی به موضوعی نظر داریم، یعنی به زمان و زمانبندی باید اهمیت دهیم. عامل زمان می‌تواند اولویت و تقدم و تأخر موضوعات را در دستور کار تعیین کند و یا تغییر دهد. توجه به زمان در راه‌حل‌گزینی می‌تواند مشکل را رفع نموده و مانع تشدید مسأله و تبدیل آن به مسئله جدید، غیرقابل حل و یا بحران شود. بنابراین، علاوه بر تعیین اولویت‌ها بر اساس زمان و انجام زمانبندی برای سیاست‌ها، در مرحله تشخیص یک مشکل و وارد نمودن آن در دستور کار نهادی برای تصمیم‌گیری، جهت رفع آن باید به جلوگیری از پیشرفت و حاد شدن یک مشکل با گذشت زمان نیز نظر داشت و از تبدیل مشکل به معضل و نهایتاً بحران جلوگیری نمود. توجه به این محدودیت زمانی می‌تواند در همان ابتدای به وجود آمدن مشکل که به «مسئله بودگی» معروف است، سبب جلوگیری از حاد شدن یک مشکل گردد. بنابراین، وارد نمودن یک مشکل در زمان مناسب و در زمان مسئله بودگی به دستور کار و حتی در مرحله تشخیص و درک مشکل می‌تواند از بغرنج شدن موضوع و تبدیل آن به بحران جلوگیری نماید. این موضوع در کنار تعیین اولویت مسائل بر اساس زمان در تنظیم دستور کار نیز مهم است و باید بدان توجه نمود.

معمولاً محدودیت منابع - زمان، پول، پرسنل یا تخصص - تعیین اولویت‌ها در دستور کار تصمیم‌گیری را گریزناپذیر می‌سازد. ایده اولویت‌بندی از این خرد منطقی سرچشمه می‌گیرد که فرد اول باید کارهای اولویت‌دار را انجام دهد. از دیدگاه هنجاری، تعیین منطقی اولویت‌ها تلویحاً به

این معنی است که هزینه فرصت طرح‌های جایگزین، به موقع محاسبه شده‌اند (مورن، رین و گودوین، ۱۳۹۳، ص ۳۰۳-۳۰۲).

۳-۲. اهمیت زمان تصمیم‌گیری از اهمیت هزینه‌ها پیشی می‌گیرد

در رسیدگی به برخی مشکلات در حوزه‌هایی خاص، لزوم تصمیم‌گیری و اجرای آن می‌تواند از ضررهای موجود زمان حال جلوگیری نماید و باید بر اساس عقلانیت اقتصادی و یا سیاسی برای آن به سیاست‌گذاری پرداخت و اثرات بلند مدت آن را که در آینده سر بر خواهد آورد را جدی قلمداد نکرد. این امر در شرایطی که تصمیم‌گیری برای یک مورد مختص به یک سیاست‌گذار نباشد و نیز از بازی صفر و یک پیروی می‌نماید، مصداق بیشتری پیدا می‌کند. نمونه بارز آن برداشت نفت، گاز و میعانات گازی از میادین مشترک با کشورهای عربی از جمله کشور قطر است. از سوی دیگر، سرعت بخشیدن در طرح‌ها و پروژه‌ها باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد و سرعت انجام آن‌ها از اهمیتی همسنگ و یا بالاتر از سلامت پروژه‌ها برخوردار می‌گردد.

اگرچه سلامت پروژه از هر دو بعد هزینه و زمان بررسی می‌شود، اما بسته به شرایط موجود، این دو از اهمیت‌های متفاوتی برخوردار هستند. با توجه به شرایط کشور، زمان پروژه اهمیت ویژه‌ای دارد. به عنوان مثال در مناطق نفت‌خیز جنوب، سرعت در حفر چاه و بهره‌برداری از مخازن مشترک، بسیار با اهمیت‌تر از هزینه جاری اجرای پروژه است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۱).

لحاظ کردن عنصر زمان در تصمیم‌گیری و اجرای آن تصمیم می‌تواند در برخی مواقع مانع ایجاد ضررهای مالی گردد. باید به این امر واقف بود که در برخی حوزه‌ها صرف تسریع و تعجیل در تصمیم‌گیری می‌تواند سودمند باشد. به اصطلاح هرچه زودتر سیاست‌گذاری انجام پذیرد، از ضررهای موجود جلوگیری به عمل خواهد آمد و نافع خواهد بود، یعنی جلوی ضرر را گرفتن، خود منفعت است.

۴. فشار زمانی و تصمیم‌گیری‌های کوتاه مدت؛ منشاء اثرات طولانی

۴-۱. سیاست‌هایی برای زمان حال؛ با اثرات پنهان بر آینده

سیاست‌هایی که برای مشکلات و معضلات امروز از سوی سیاست‌گذار به عنوان راه‌حل در نظر گرفته می‌شود، می‌تواند علی‌رغم رفع مشکل امروزی و کسب رضایت در جامعه، با گذشت زمان به ایجاد مشکلات عدیده‌ای منجر شود که معمولاً از دید سیاست‌گذار به دور مانده و باید به

این تاثیرات منفی عدم لحاظ نمودن زمان در سیاست‌گذاری توجه نمود و به افق‌های زمانی بلند مدت توجه کرد.

برآیندهای کند، افق‌های زمانی طولانی دارند. به عبارت دیگر، فرآیندهایی هستند که تغییرات معنادار در متغیر وابسته فقط در درازمدت رخ می‌دهد. بسیاری از برآیندهایی که عالمان علوم اجتماعی به آن‌ها علاقه‌مند هستند، مدت زمان طولانی طول می‌کشد تا بروز کنند (پیرسون، ۱۳۹۳، ص ۱۶۰-۱۵۹).

همچنین ممکن است سیاست‌های امروز، برای نسل‌های بعدی مفید نباشند و از سویی برای آنان تغییر در وضع موجود را مشکل نماید. یا با استفاده از منابع طبیعی یک کشور در زمان حال، برای رفع مشکلات کنونی، نسل‌های آینده را از آن منابع محروم نماییم و یا به تخریب محیط زیست بپردازیم و آیندگان را با مشکلات زیست محیطی مواجه نماییم. این امر می‌تواند از تفاوت در نگرش به افق‌های زمانی نیز نشأت بگیرد. مانند تصمیمات سیاسی که توسط سیاست‌مداران برای افق‌های زمانی کوتاه مدت اخذ می‌شود تا آنان در جلب آراء شهروندان موفق گردند. بنابراین، باید به افق‌های زمانی بلند مدت چشم دوخت و تاثیر سیاست‌ها در زمان آینده را از نظر دور نداشت.

از مسائل مهمی که در عموم تصمیمات و خصوصاً در حوزه سیاست‌گذاری، بایستی مدنظر قرار گیرد، توجه به پیامدهای ناخواسته حاصل از اجرای سیاست است. صحنه اجرای سیاست باید به گونه‌ای تحلیل شود که تبعات و پیامدهای اجرای سیاست و نیز ارتباطات و تاثیرات درونی و بیرونی آن قبل از پیاده‌سازی سیاست‌ها مدنظر قرار گیرد. در فضای سیاست‌گذاری نیز بایست پیامدها و عواقب اجرای گزینه‌های سیاستی پیش‌بینی شوند و بر مبنای آن‌ها تصمیم اجرایی مناسب اتخاذ شود (نریمانی، ۱۳۹۲، ص ۶۳-۶۲).

علاوه بر اینکه سیاست‌های تدوین شده برای مشکلات کنونی باعث مشکلاتی در آینده و پیامدهای ناخواسته خواهند شد، باید به این مسئله مهم نیز توجه داشت که امروزه سرعت و شتاب، بخشی از زندگی بشر است. این عجله و شتاب، خود موجب بروز مشکلاتی برای سیاست‌گذاری خواهد شد که سیاست‌گذار باید با کسب اطلاعات مورد نیاز از تکیه بر اطلاعات غلط و نامناسب پرهیز نماید. فشار، زمانی باید با کسب اطلاعات و ذخیره آنان در بانک‌های اطلاعاتی مورد نیاز، کاهش یابد، زیرا کسب اطلاعات خود به زمان زیادی نیاز دارد.

فشار زمانی ممکن است ویژگی‌های شناختی را تحت تاثیر قرار دهد و موجب نادیده گرفته شدن ابعاد مهم بدیل‌های مختلف شود. در این شرایط، ممکن است افراد برای تصمیم‌گیری سریع،

بر اطلاعات شهودی تکیه کنند؛ اما مسئله این است که استفاده از اطلاعات شهودی می‌تواند موجب بروز اشتباهات نظام‌مند یا سیستماتیک شود و ترجیحات نادرستی را القاء کند (بخشی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۳۴).

نتایج و برآیندهای این شتاب پیامدهایی دارد که باید از دید سیاست‌گذاران دور نماند و برای پیامدهای حاصل از آن نیز چاره‌ای اندیشید. شتاب حاصل از پیشرفت‌های تکنولوژیک می‌تواند بر جنبه‌های زندگی اجتماعی و فرهنگی اثر مخرب بگذارد و بسیاری از روابط فردی و اجتماعی را حذف یا دچار تغییرات منفی نماید. سیاست‌گذار باید برای آسیب‌های حاصل از سیاست‌گذاری‌های خود نیز اقداماتی مفید انجام دهد و در حد توان از میزان این آسیب‌ها بکاهد.

دلالت‌های فشار زمانی بسیار عمیق هستند، رفاه با استرس به ستوه آمدن مصالحه می‌کند، سرمایه اجتماعی کاهش می‌یابد، به این دلیل که مردم زمان چندانی برای مشارکت در فعالیت‌های عمومی یا جمعی ندارند. خانواده‌ها و دوستی‌ها از هم پاشیده می‌شود، زیرا ما زمانی برای سپری کردن با آن‌هایی که خیلی به آن‌ها اهمیت می‌دهیم، نداریم (ترتیمان و شاو، ۱۳۹۷، ص ۱۰۴).

۴-۲. زمان و اطلاعات در دسترس

هنگامی که اطلاعات به میزان کافی وجود دارد، تصمیم‌گیری در شرایط اطمینان و به راحتی صورت می‌پذیرد. یکی از عمده‌ترین دلایل بوجود آمدن شرایط عدم اطمینان در محیط تصمیم‌گیری، کمبود و یا در دسترس نبودن اطلاعات کافی است (مشبکی، ۱۳۷۳، ص ۱۲).

فقدان اطلاعات کافی برای سیاست‌گذاری نیازمند صرف زمان و هزینه برای کسب اطلاعات مورد نیاز است. این نقیصه خود زمان‌بر است و سیاست‌گذار باید برای کسب اطلاعات، زمان زیادی را صرف کند که این امر راه‌حل‌گزینی را طولانی می‌کند و مدت زمان سیاست‌گذاری را افزایش می‌دهد. البته تجزیه و تحلیل اطلاعات کسب شده خود نیز زمانی مضاعف را به این تأخیر می‌افزاید.

در جریان شناسایی همه خط‌مشی‌های قابل‌گزینش و پیامدهای آن‌ها، موانع بی‌شماری برای جمع‌آوری اطلاعات وجود دارد، نظیر هزینه جمع‌آوری داده‌ها و دسترسی به اطلاعات و زمان لازم برای به انجام رساندن این کار (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۶، ص ۲۹-۲۸).

وسعت و میزان اطلاعات ممکن است به زمانی که برای جمع‌آوری آن در دسترس قرار دارد، بستگی داشته باشد. هنگامی که زمان کافی، هزینه مورد نیاز و تلاش و همت افراد یکجا جمع

شوند، می‌توان از داده‌های خام و متعدد، اطلاعات با ارزش و مفیدی برای تصمیم‌گیری در شرایط و اوضاع مختلف فراهم آورد (مشبکی، ۱۳۷۳، ص ۱۳-۱۲).

نوع اطلاعات و مقدار آن، قابلیت اطمینان و اعتماد به اطلاعات، و محدودیت‌های زمانی در جمع‌آوری اطلاعات لازم از عواملی هستند که بر انتخاب گزینه‌ها توسط خط‌مشی‌گذار تاثیر می‌گذارند (قلی‌پور، ۱۳۹۵، ص ۱۳۵).

۵. نقش زمان در تدوین و اجرای سیاست‌ها

۵-۱. زمان بر بودن تصویب طرح‌ها و لوایح در کشور

در برخی مواقع سیاست‌گذار برای سیاست‌گذاری ناگزیر به قانونی‌سازی یک سیاست از طریق نهادهای قانونی مانند مجلس است تا به یک سیاست لباس حقوقی بپوشاند و برای آن پشتوانه قضایی و ضمانت اجرایی ایجاد نماید، یا تأمین بودجه و امکانات آن را از طریق قانونی از بودجه عمومی به انجام برساند. در این صورت باید این سیاست‌ها برای تصویب به مجلس به عنوان طرح و یا از سوی دولت به عنوان لایحه وارد شود که در این بخش هم آسیب‌هایی چند وجود دارد. از آسیب‌های جدی، که تدوین سیاست را طولانی می‌نماید و بیشتر در سیاست‌گذاری تقنینی رخ می‌دهد، طولانی بودن زمان تصویب طرح‌ها و لوایح در مجلس است که در برخی موارد به حدود دو سال بالغ می‌شود و این امر باعث شده تا دولت تصمیم به حل مشکل در هیأت دولت و با مصوبات داخلی بپردازد که این موضوع علاوه بر نداشتن تایید قوه مقننه و پشتوانه حقوقی می‌تواند باعث اختلافاتی نیز گردد.

مصادق آن، برخی رفت و برگشت‌ها میان مجلس و شورای نگهبان، یا وجود برخی اختلافات میان دولت و مجلس است که باعث به نتیجه نرسیدن کمیسیون‌های مشترک یا تعدد جلسات هماهنگی خواهد شد و گاه باعث اختلافاتی درون مجلس می‌شود که سبب ارجاع سیاست‌ها به کمیسیون و افزایش درخور توجه در زمان بررسی طرح و لایحه خواهد شد. گاه نیز وجود برخی قوانین و مقررات و فرایندها یا ساختارهای خاص سبب افزایش ناگزیر زمان می‌شود. در این مسیر گاه حاضر به رفع چند باره مغایرت‌های اعلام شده از سوی شورای نگهبان را ندارند؛ و گاه در فرآیندهای طولانی رفت و برگشت در مجلس، تغییرات در کمیسیون و صحن مجلس آنچنان زیاد می‌شود که نکات مهم آن طرح یا لایحه در نگاه تدوین کنندگان حذف شده و یا تغییر می‌کند. بنابراین، تمایل چندانی در اجرایی کردن مصوبات نهایی نخواهند داشت. گاه نیز روند بررسی یک

لایحه چنان طولانی می‌شود که دولت در این میان تغییر می‌کند و زمانی مصوب می‌شود که دولت جدید آن را در اولویت قرار نمی‌دهد و قانون جدید فرصت تثبیت نیافته، فرصت اجرایی شدن را از دست می‌دهد. بنابراین، طولانی شدن فرآیند تصویب طرح و لایحه می‌تواند پیامدهای نامناسبی را برای اجرایی شدن قوانین حاصل به دنبال داشته باشد (باقری، تاج و غفاری، ۱۳۹۶، ص ۴-۳).

۵-۲. زمان؛ تأمین منابع و هزینه‌ها

اگرچه سیاست‌گذاران و تحلیل‌گران سیاست‌ها می‌کوشند تا در مرحله پیش از اجرا هزینه‌های اجرای یک سیاست را برآورد و منابع تأمین اعتبارات لازم را پیش‌بینی کنند، اما گاه بروز تغییرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، موجب تغییر جهت‌گیری منابع می‌شود و اجرای سیاست‌ها را با مشکل مواجه می‌سازد (ملک محمدی، ۱۳۹۴، ص ۷۸).

یکی از عواملی که باعث افزایش زمان اجرا و انجام سیاست‌ها و طرح‌ها می‌شود، عدم تأمین منابع لازم برای اجرای سیاست‌ها یا در نظر گرفتن منابع نامطمئن است. علاوه بر این عواملی چند نیز در تأمین منابع و هزینه‌ها به عنوان مانع عمل می‌کنند و پیامدهایی منفی به همراه دارند که مهم‌ترین آن‌ها در کشور ما تحریم‌ها، تورم و کسری بودجه است که این نقیصه در صورت توقف طرح‌ها عیان می‌شود.

باید در نظر داشت که هر یک از برنامه‌های در حال اجرا، هزینه‌هایی در بر داشته و خواهند داشت؛ یعنی هر دو حالت «تکمیل» یا «توقف» آن‌ها هزینه‌های جدیدی به همراه دارند. از این‌رو ارزیابی مستمر برنامه‌ها از حیث هزینه‌های موجود، هزینه‌های تأخیر و هزینه‌های اجرا در آینده، بسیار حائز اهمیت است (پورعزت، ۱۳۸۹، ص ۲۰-۱۹).

در کشور ایران به دلیل وجود تحریم‌ها که بیشتر بر قطع و کاهش صادرات نفت و ورود درآمدهای نفتی، از سوی ایالات متحده جهت‌گیری شده است؛ تأمین منابع و هزینه‌های اجرای طرح‌ها و سیاست‌ها را با مشکلات زیادی مواجه کرده است. این مشکلات باعث تأخیر در تأمین منابع مالی طرح‌ها می‌شود و زمان اجرای طرح‌ها و سیاست‌ها را طولانی می‌کند که خود برای سیاست‌گذار و نیز جمعیت هدف سیاست‌ها، آسیب‌های جدی به همراه خواهد داشت.

تشدید تحریم‌ها از سوی بیگانگان به منظور به تاخیر انداختن زمان انجام پروژه‌ها، اهمیت اتمام به موقع پروژه‌ها دو چندان شده است. از این‌رو توجه بیشتر به استواری پروژه برای مدیران پروژه موضوعیت دارد (حسن‌پور، نورنگ و نبی‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۱).

همان‌گونه که از تحریم‌ها نام برده شد، این تحریم‌ها سبب کسری بودجه در دولت‌های مختلف گردیده است و این کسری بودجه که به ویژگی لاینفک دولت‌ها، در ایران بدل شده، به همراه تورم در افزایش هزینه‌ها و نیز طولانی شدن اجرای سیاست‌ها، توأمان تاثیر منفی می‌گذارند. تورم نیز تاثیر معناداری بر ریسک هزینه شده دارد. این امر نیز ناشی از پیش‌بینی ضعیف در ابتدای پروژه از مقدار تورم می‌باشد. بدین صورت که در ابتدای پروژه، نرخ افزایش قیمت‌ها را کم‌تر از حد واقعی برآورده نموده‌اند و این باعث شده تا هزینه تمام شده پروژه در واقعیت تفاوت قابل توجهی با میزان پیش‌بینی شده داشته باشد (طاهرزاده، ۱۳۹۷، ص ۸۱).

۳-۵. یادگیری و زمان

در شرایط خاصی برای تدوین سیاست‌ها می‌توان به یادگیری از خارج مبادرت ورزید و با یادگیری از سیاست‌گذاران دیگر کشورها این روند را کوتاه‌تر نمود. یادگیری از سیاست‌های سایر کشورها می‌تواند در کاهش زمان سیاست‌گذاری موثر باشد. کشورها با بکارگیری سیاست‌های دیگر کشورها در مشکلات مشابه می‌توانند زمان سیاست‌گذاری را کاهش دهند. یادگیری از سویی می‌تواند زمان ارزیابی را کوتاه نماید، زیرا سیاست‌های اجرا و ارزیابی شده، با نقاط ضعف و قوت را به صورت آماده و حاضر، در اختیار ما قرار می‌دهد.

یک درس، پلی بر فراز زمان و مکان است. این درس، دانش مربوط به آنچه را امروز در کشوری دیگر در حال انجام شدن است، با پیشنهادهایی مشخص درباره فعالیت‌هایی که دولت در داخل برای پیشبرد سیاست‌گذاری عمومی در آینده، به آن‌ها دست خواهد زد، ترکیب می‌کند. از آنجایی که درس، پدیده‌ای آینده محور است، نمی‌توان آن را به شکل تجربی ارزیابی کرد. با این همه، امکان ارزیابی تجربی برنامه‌ها در کشورهای دیگری که محل اجرای آن برنامه‌ها بوده‌اند، وجود دارد (رز، ۱۳۹۰، ص ۵۵).

۴-۵. زمان و رسیدن به انسجام و جلب مشارکت

بسته به نوع محیط سیاست‌گذاری، رسیدن به توافق و انسجام می‌تواند زمان‌بر و یا بالعکس کوتاه باشد. مشارکت شهروندان و گروه‌های ذی‌نفوذ و احزاب و جناح‌های سیاسی در اجرای سیاست‌ها اگرچه در میزان موفقیت سیاست‌ها نقش بی‌بدیلی دارد، اما رسیدن به میزانی از انسجام و هماهنگی و نیز جلب مشارکت قابل قبول، نیازمند زمان است. به نظر می‌رسد مواردی همچون تضاد یا توافق کنشگران عمده سیاست‌گذاری، فرآیندها و

ساختارهای سیاست‌گذاری و نیز رخدادهای تصادفی و مواردی از این دست، در زمان‌بر شدن فرآیندهای سیاست‌گذاری موثر باشند (باقری، تاج و غفاری، ۱۳۹۶، ص ۳).

از سویی قلی‌پور بر میزان حمایت و مشارکت شهروندان، احزاب و رسانه در موفقیت سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها تاکید داشته و آن را به نوعی لازمه موفقیت یک سیاست تلقی می‌کند. «میزان حمایتی که شهروندان، گروه‌های ذی‌نفوذ، احزاب، رسانه‌ها و سایر نیروهای تاثیرگذار در جامعه از خط‌مشی می‌کنند، تاثیر بسیاری بر اجرای موفق آن خواهد داشت» (قلی‌پور، ۱۳۹۵، ص ۱۳۹).

جنبه دیگر در انسجام برای اتخاذ سیاست، میان‌بخشی و درگیر بودن چندین سازمان و وزارتخانه در امر تصمیم‌گیری است که هماهنگی‌ها و مشارکت آن‌ها زمان‌بر است. برای سیاست‌گذاری در مورد مسائل عمومی، هماهنگی‌های زیادی لازم است و همچنین جلب مشارکت سازمان‌ها و نهادها و جامعه، بر پیچیدگی اوضاع می‌افزاید.

از جنبه‌های سیاست‌گذاری عمومی در کنار خصلت فرآیندی، خصلت میان‌بخشی آن است. عموم مسائل حوزه عمومی به صورت مستقیم و غیر مستقیم به بیش از یک یا دو نهاد مربوط است و به دلیل چند بعدی بودن، به گروهی از سازمان‌ها و نهادها مربوط می‌شود. اقناع چند جانبه به این معنی است که تلاش شود تا عموم نهادهای درگیر در راهکار پیشنهادی به گونه‌ای با این طرح همراه شوند. نهادهای مختلف، ترجیحات و اولویت‌های مختلفی داشته و هر یک نیاز دارند که بُعد خاصی از طرح را تایید کنند (نریمانی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۵).

۵-۵. توالی و زمان‌بندی

برای سیاست‌گذاری زمان‌بندی فعالیت‌ها لازم است و باید نظم زمانی فعالیت‌ها را مشخص نمود. این نظم زمانی با بررسی و تحلیل توالی‌ها بدست می‌آید. توالی فعالیت‌ها در یک نظم تقدمی و تأخیری در قالب زمان مشخص قابل بررسی است. این توالی‌ها در چرخه‌های سیاست‌گذاری نیز جاری و ساری است.

بررسی و شناخت توالی‌های یک سیاست و فرآیند، این امکان را به سیاست‌گذار می‌دهد تا با بررسی هر مرحله در سریالی از توالی‌ها، به زمان مورد نیاز هر مرحله و توالی پی‌ببرد و به زمان‌بندی یک سیاست بپردازد. بر همه واضح و مبرهن است که مشکل پس از ورود به دستور کار و راه‌حل‌گزینی و سپس اجرا و ارزیابی در یک چرخه و مراحل پیوسته، برخوردار از تقدم و تأخر بوده است. لذا، نمی‌توان بدون انجام مرحله قبل، برای سیاست‌گذاری به مرحله بعد منتقل شد.

وجود توالی‌های مشخص می‌تواند به شفافیت در پیش‌بینی و زمان‌بندی کمک نماید. توالی فعالیت‌ها شامل فرآیند شناسایی و تدوین ارتباط فعالیت‌ها با یکدیگر است. این فرآیند باید با دقت و حوصله کافی صورت پذیرد، زیرا برنامه زمان‌بندی، وابسته به این قسمت است (فرهودی، ۱۳۸۶، ص ۶۵).

اگر مدت اجرای فعالیت‌ها معلوم نباشد، نمی‌توان شبکه را زمان‌بندی کرد و مدت اجرای پروژه و مشخصات اجرایی فعالیت‌ها را محاسبه نمود. مدت اجرای فعالیت با حجم کار، موضوع و شرایط اجرای فعالیت و همچنین با نوع، تعداد کیفیت منابع اجرایی آن به طور مستقیم بستگی دارد. مدت اجرای فعالیت‌ها بر اساس پارامترهای مربوط به آن، با روش‌های مختلفی برآورد می‌شود (طاهرزاده، ۱۳۹۷، ص ۷۱).

۵-۶. گلوگاه و افزایش زمان اجرای سیاست

تنگنا به آن قسمت از عملیات گفته می‌شود که فرآیند تولید و ارائه خدمات را محدود می‌کند و باعث ایجاد نوسان در عملیات می‌شود (مران جوری و علیخانی، ۱۳۸۸، ص ۷۵).

به‌رغم اینکه گلوگاه از عوامل طولانی شدن زمان اجرای سیاست‌ها است و تا حد امکان از آن اجتناب می‌شود، اما در کشور ما به دلیل فراهم نبودن مقدمات و زیرساخت‌ها برای اجرای طرح‌ها و یا سامان دادن به برخی از نابسامانی‌ها، سیاست‌گذار ناگزیر از ایجاد گلوگاه می‌گردد که خود می‌تواند از عوامل طولانی شدن زمان سیاست‌گذاری باشد.

ایجاد گلوگاه جدید به این معناست که گذرگاه‌هایی تعبیه شوند که عبور از آن‌ها، مستلزم انجام دادن رفتار خاصی باشد. سیاست‌گذار در این خصوص می‌تواند هدف‌گیری سیاستی خود را بر روی قسمتی از فرایند متمرکز کند که حساسیت بالاتری دارد و دستکاری آن نتایج ثمربخش‌تری را به دنبال خواهد داشت. تجربه کارت سوخت در کشور، مثال دیگری از ایجاد گلوگاه است. حاکمیت همواره برای ساماندهی موتور سیکلت‌ها و پلاک‌دار کردن آن‌ها تلاش می‌کرد، لیکن گلوگاه مناسبی برای کنترل رفتار عوامل در اختیار نداشت. کارت سوخت گلوگاه مناسبی برای سیاست‌گذاران به وجود آورد تا مبتنی بر آن، از اعطای کارت به موتورهای فاقد پلاک اجتناب شود (نریمانی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۴-۱۴۳).

۵-۷. تعیین جمعیت هدف سیاست با تحدید زمانی

می‌توان برای بهبود کیفیت انجام سیاست‌ها و ارائه خدمات و تسریع در آن، با تحدید زمان

ارائه یک خدمت یا تعیین زمان آغاز و انجام خدمت‌رسانی، نتایج مطلوب‌تری کسب نمود. با این عمل سایر گروه‌ها و جمع‌ها کنار نهاده شده و گروه‌های هدف به خوبی قابل تشخیص خواهند بود و به طور هدفمند از سیاست‌ها بهره‌مند خواهند گردید.

گسترش یک برنامه ممکن است مجموعه جدیدی از مشتریان را در خود جای دهد یا دوره‌های زمانی جدید یا مناطق جغرافیایی تازه‌ای را در بر گیرد. رشد یک سیاست نیز ممکن است محصول بهبود کیفیت یا معیارهای برنامه‌ای از پیش موجود باشد. یک برنامه ممکن است از طریق شاخص‌بندی یا تنظیمات خودکار، یا گسترش یافتن به واسطه تقاضاهایی از بیرون (به منزله نتیجه‌ای از عوامل جمعیتی) نگهداشته و حفظ شود (پارسونز، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۴۷۲).

اعلام یک بازه زمانی برای یک سیاست و شرکت افراد جامعه که خواهان بهره‌مندی از یک سیاست هستند می‌تواند جمعیت هدف و مخاطبان یک سیاست را مشخص سازد و سیاست‌ها برای یک جمعیت و گروه خاص طراحی شود.

۵-۸. طولانی شدن زمان سیاست‌گزینی و آثار منفی آن

سیاست‌ها باید با شرایط و زمان انطباق داشته و مناسب با آن باشند تا قرین موفقیت گردند. سیاست‌هایی که از این ویژگی برخوردار نیستند، یقیناً در کسب موفقیت ناکام خواهند بود، زیرا چه بسیار از سیاست‌هایی که مطلوب به نظر می‌رسند، اما به دلیل دیرنگام بودن یا زود هنگام بودن و یا نداشتن قرابت فرهنگی و اجتماعی با محیط کشورها و جوامع از حصول به هدف مطلوب بازماندند. قلی‌پور در کتاب خود به این نکته بدین صورت اشاره می‌کند که «عدم تطبیق با مقتضیات زمان و شرایط مکانی، یا به طور کلی محیط، خط‌مشی‌ها را عملاً از حیز انتفاع خارج می‌کند» (قلی‌پور، ۱۳۹۵، ص ۱۳۶).

افزایش و کاهش زمان (فارغ از اینکه محصول چه اموری است) از یک‌سو سبب فاصله افتادن میان طرح مسئله و پاسخ به مسئله در قالب اجرای سیاست خواهد شد. این امر، «بهنگام بودگی» را از سیاست سلب می‌کند. تضعیف بهنگام بودگی سیاست‌گذاری ممکن است منجر به کاهش اثربخشی آن شود؛ چه بسا مسئله به وضعیت وخیم‌تری دچار شده باشد که سیاست تدوین شده که متناسب با شرایط پیشین تنظیم شده است، توان پاسخگویی به آن را نداشته و یا وارد مرحله متفاوتی شده باشد که راهکار متفاوتی را بطلبد. به همین دلیل، فارغ از وابسته یا مستقل بودن متغیر زمان، اهمیت آن در اثربخشی سیاست انکارناپذیر است و اگر مسئله تاخیر زمانی در فرآیند

سیاست‌گذاری در موارد متعددی از سیاست‌ها وجود داشته باشد، نشانه‌ای بر ضرورت مداخله در فرآیندها و مقررات و بهینه‌سازی آن‌ها خواهد بود. از سوی دیگر، طولانی شدن زمان بررسی، سبب کاهش در اراده تدوین‌کنندگان می‌شود (باقری، تاج و غفاری، ۱۳۹۶، ص ۴).

عدم تصمیم‌گیری در زمان مناسب در هر مرحله‌ای ممکن است سیاست‌گذار را با سیاست‌های نابجا مواجه نماید. سیاست‌هایی که برای موضوعی خاص طراحی شده‌اند، اما با گذشت زمان آن موضوع تغییر ماهیت داده و یا از لحاظ کمی و کیفی بزرگ‌تر و دشوارتر گردیده و یا سیاست برگزیده شده به لحاظ زمان طولانی سیاست‌گزینی، دیگر برای حل موضوع و مشکل مورد نظر کهنه و غیر کارا به نظر می‌رسد.

کم نیستند سیاست‌های بجا و مطلوبی که به دلیل ناکارآمدی نظام اقتصادی یا سیاست‌گذاری‌های نامتناسب با زمان، مکان و موضوع، اولویت خود را از دست داده یا در بزنگاه ثمردهی متوقف شده‌اند (ملک محمدی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۹).

۶. ارزیابی و پایان سیاست‌ها

۶-۱. زمان ادامه سیاست‌ها و محافظه‌کاری

همان‌گونه که در مورد تفاوت افق‌های زمانی گفته شد، این تفاوت می‌تواند در حوزه اقتصاد یا سیاست نیز مهم باشد. گرایش به باقی ماندن در قدرت برای مدت زمان طولانی و در ادوار مجالس قانونگذاری، سیاست‌گذاران را وامی‌دارد تا نسبت به آینده و سیاست‌گذاری‌های بلند مدت تمایلی نشان ندهند. بنابراین، سیاست‌گذاران به سیاست‌های کوتاه مدت برای اثر گذاشتن بر افراد جامعه، نظر دارند. نگاه کوتاه مدت توسط آنان باعث عدم تغییر در ساختارها و مرجعیت‌ها شده و منجر به محافظه‌کاری می‌شود.

یکی از مشکلات عمده در خط‌مشی‌گذاری، کوتاه‌نگری و عدم توجه به آینده‌های دور است. اغلب تصمیم‌گیرندگان به اخذ تصمیم‌هایی گرایش دارند که نیازهای زودرس را ارضاء نموده، نتایجی قریب الوقوع و کاملاً قابل پیش‌بینی در بر داشته باشد. آنان می‌کوشند تا از تردیدها، احتمالات مبهم و مخاطراتی که حاصل دورنگری و تصمیم‌گیری‌های بلند مدت است، حذر کنند و به تصمیم‌هایی دست بزنند که در مورد آینده نزدیک است. از این‌رو، بعضی از واضعان خط‌مشی‌ها، بیشتر به ارضای نیازهای روز و انتظارات و توقعات فعلی و جاری جامعه توجه نشان داده، پاسخ‌گویی به آن‌ها را هدف اصلی خود می‌پندارند (الوانی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۳).

ادامه نگرش کوتاه مدت توسط سیاست‌گذاران، آن را به یک رویه سیاسی بدل می‌کند که توسط نهادها و سازمان‌ها و کارکنان و کارمندان بوروکراسی‌ها درونی شده و نهادینه می‌گردد. دولت‌های مختلف هم در تغییر آن همت نمی‌گمارند و این رویه خود را در دوره‌های مختلف زمانی بازتولید می‌نماید. این محافظه‌کاری در توسعه و پیشرفت کشور تاثیر بسیار منفی به جای گذاشته است.

۶-۲. ارزیابی سیاست منوط به گذشت زمان

آنچه در ارزیابی پیاده‌سازی اهداف به وسیله تصمیم‌گیرندگان بکار گرفته می‌شود، سرشت بازخورد عملیاتی شدن اهداف و نتایج قابل انتظار و پیامدهای دور از انتظار است که این به دسترسی مجدد به اطلاعات تجدیدنظر شده و بازبینی مجدد فرایند شکل‌گیری اهداف و مقاصد نیاز دارد (دهشیار، ۱۳۸۱، ص ۱۰۳۶).

ارزیابی سیاست‌ها باید پس از اجرای یک سیاست انجام شود تا تاثیرات آن که برای حل مشکل مورد بررسی اتخاذ گردیده بود، آشکار گردد. هرچند که ارزیابی باید در خلال اجرا نیز صورت پذیرد، اما مشاهده پیامدهای یک سیاست با توجه به اثرات بلند مدت و یا کوتاه مدت آن باید با گذشت زمان مورد نیاز آن، انجام پذیرد. صرف پایان اجرای موفق یک سیاست در زمان حال، نمی‌تواند ارزیابی درست و دقیقی از یک سیاست به دست دهد. در واقع باید به آینده دورتر نگریست.

زمان لازم برای قضاوت درباره موفقیت یا شکست یک سیاست، عدد ثابتی را نشان نمی‌دهد. به بار نشستن برخی سیاست‌های اجرا شده نیازمند زمان است. قضاوت درباره شکست یک سیاست نیز گاه به گذشت زمان بالنسبه طولانی نیاز دارد. از سوی دیگر، انجام تحقیقات ارزیابی، خود، پدیده‌ای زمان‌بر است. بنابراین، عامل زمان به‌مثابه عاملی‌کننده برای این مرحله از چرخه سیاست، عمل می‌کند (ملک محمدی، ۱۳۹۴، ص ۸۹).

۶-۳. برای سیاست‌ها زمان پایان تعیین کنید

برای سیاست‌ها، زمان تعیین کنید و آن را در مکان اول اهمیت قرار دهید. هر سیاست/ برنامه/ سازمان باید دارای یک دوره زندگی باشد (پارسونز، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۴۸۰).

تعیین پایان یک سیاست باعث می‌شود تا به حیات سیاست‌ها و طرح‌های موازی و یا متعارض پایان داده شود و سوءاستفاده از این سیاست‌ها از بین برود. این موضوع در مواردی که سیاست‌های تقنینی هم‌زمان و بگونه‌ای متضاد به حیات خود ادامه می‌دهند، بغرنج می‌گردد. وجود چندین قانون

متعارض می‌تواند دستمایه سوءاستفاده از سوی برخی افراد و جناح‌ها شود. از سویی سیاست‌ها باید با توجه به تغییرات ایجاد شده در جامعه، تغییر یابند یا متناسب‌سازی شوند و این موضوع با عمر و دوره طولانی یک سیاست همخوانی ندارد. ریچارد رز بیان می‌دارد که: «هرچه مدت زمان بیشتری از اجرای یک برنامه گذشته باشد، صدای جیرجیر لولاهای آن بیشتر درمی‌آید و این به دلیل تغییراتی است که در جامعه و در تقاضاهای مخاطبان آن ایجاد شده است» (رز، ۱۳۹۰، ص ۶۳).

در حوزه‌هایی پایان دادن به یک سیاست به دلیل استمرار این سیاست‌ها در زمان آینده حالت کلی نداشته، بلکه بر کاهش یا تغییر هزینه‌ها استوار است. بنابراین، سیاست‌گذار برای تعیین سیاست‌ها باید به تعهداتی با افق زمانی بلند مدت نظر داشته باشد. سیاست‌های رفاهی و بیمه‌ای از این نوع هستند.

پایان سیاست‌های رفاهی، حالت کلی نداشته و به طور عمده تاکید بر کاهش هزینه‌ها و برنامه‌ها است و چهره تغییراتی گسترده و بنیادین در اهداف سیاست‌ها و سازمان‌های کلیدی را به خود نمی‌گیرد. این نتیجه‌گیری، همراه با دیگر تحلیل‌های مربوط به دولت رفاه، بر استمرار سیاست‌های رفاهی و نه پایان سیاست‌ها که اغلب با تغییر همراه است، تاکید دارد (پارسونز، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۴۷۹-۴۷۸).

۷. کمبود زمان و تحمیل مدل سیاست‌گذاری

برگزیدن سیاست‌ها در برهه‌هایی با توجه به ضرورت سیاست‌گذاری عاجل و فوری، باعث می‌شود تا به دلیل کمبود زمان، به سوی بهره‌گیری از مدل‌های تصمیم‌گیری غیر عقلایی متمایل شویم. در واقع کمبود زمان و ضرورت سیاست‌گذاری باعث تحمیل مدل‌های تصمیم‌گیری به سیاست‌گذار می‌گردد.

به جهت محدودیت‌های ساختاری، کمبود زمان تصمیم‌گیری، کمبود اطلاعات، فقدان منابع لازم برای پردازش اطلاعات و اولویت‌های شخصی و ارزشی، تنها به بعضی از گزینه‌ها توجه می‌شود، چون این گزینه‌ها تنها انتخاب‌هایی هستند که شذنی می‌باشند. در این حالت رهبران تنها اهدافی را تعقیب می‌کنند که در کوتاه مدت جواب دهند. تصمیم به از پیش پا برداشتن معضلات کنونی بوده و برنامه‌ریزی بلند مدت مدنظر نیست (دهشیار، ۱۳۸۱، ص ۱۰۴۲-۱۰۴۱).

یکی از مدل‌هایی که در پاسخ به شرایط کنونی مطرح شده است، مدل آشفته تصمیم‌گیری بوده که آن را از جهت بی‌نظمی و درهم و برهمی شرایط تصمیم‌گیری، مدل سطل زباله نامیده‌اند

(الوانی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۹).

مدل دیگری که کمبود زمان به سیاست‌گذار تحمیل می‌کند، مدل «رضایت بخش» یا «تدریجی» است. در این مدل سیاست‌گذار به تغییرات جزئی و تدریجی سیاست‌های موجود می‌پردازد و از تغییرات بزرگ و موثر حذر می‌کند.

محدودیت زمان و منابع، بینش خط‌مشی‌گذار و اطلاعات موجود و محدودیت‌هایی مانند اینها، راهی جز بکارگیری الگوی رضایت‌بخش باقی نمی‌گذارد (قلی‌پور، ۱۳۹۵، ص ۱۵۷).

در واقع تصمیم‌گیرندگان به جای جستجوی راه‌حل‌های حداکثر و حداقل، بدیل‌هایی را انتخاب خواهند کرد که اهداف تصمیم‌گیرنده را در حد رضایت‌بخش محقق سازد (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۶، ص ۳۵).

علاوه بر مدل‌های فوق، در برخی موارد کمبود زمان و نبود اطلاعات کافی و تجربه قابل رجوع، توأمان سیاست‌گذار را ناچار از پیروی از مدل مقطعی می‌نماید تا با اجرای همزمان، به اطلاعات جدیدی دست یازد و با عدم صرف زمان برای کسب اطلاعات، در زمان نیز صرفه‌جویی نماید.

تصمیم‌گیری مقطعی در شرایطی که در مراحل اولیه برنامه‌های جدید، عدم اطمینان زیاد است و تنها از طریق اجرای قسمت‌هایی از برنامه می‌توان اطلاعاتی را برای تصمیم‌گیری به دست آورد، بسیار مفید می‌باشد. اجرای همزمان قسمت‌های اولیه شقوق مختلف، ضمن دادن اطلاعات، باعث صرفه‌جویی زمانی نیز می‌شود، به خصوص اگر مسئله زمان برای تصمیم‌گیرنده مهم و حساس باشد، این مدل یاری‌دهنده خواهد بود (الوانی، ۱۳۹۲، ص ۷۸-۷۷).

۸. نتیجه‌گیری

در این تحقیق نشان داده شد که چگونه روند تدوین و اجرای سیاست‌ها کند و طولانی می‌گردد و باید به آن‌ها توجه ویژه داشت، مانند زمان تأمین منابع و هزینه‌ها و زمان مورد نیاز برای تأمین و تحلیل اطلاعات مورد نیاز، زمان طولانی تصویب قوانین در کشور و طولانی بودن جلب مشارکت و انسجام در کشور، عدم وجود مقدمات و زیرساخت‌ها که باید برای آن‌ها گلوگاه در نظر گرفت و نیز ارزیابی سیاست‌های معطوف به هدف. از سویی باید به زمان گذشته و تاثیرات آن بر تدوین سیاست‌ها نیز نظر داشت و با رجوع به آن به یادگیری پرداخت و زمان سیاست‌گزینی را کوتاه‌تر نمود و از نواقص سیاست‌های اجرا شده در کشورهای دیگر احتراز کرد. همچنین باید به تحلیل دقیق اثرات سیاست‌های امروز بر آینده پرداخت، زیرا سیاست‌های طرح شده امروز می‌تواند برای

آیندگان مشکل ساز گردد. لحاظ نکردن زمان در تدوین و اجرای سیاست‌ها می‌تواند به افزایش زمان سیاست‌گزینی و طولانی شدن آن بیانجامد که به موقع بودن سیاست را سلب نموده و آن را از حیز انتفاع خارج می‌نماید. بنابراین، تدوین و اجرای سیاست‌ها فرآیندهایی هستند که در آن سیاست اتخاذ شده باید از لحاظ زمان، هزینه‌ها و منابع، به دقت در ابتدای امر بررسی و تحلیل گردند، تا در صورت امکان به کاهش زمان این فرایندها اقدام نمود. موضوع در جایی مهم و بغرنج می‌گردد که زمان در تصویب طرح‌ها و برخی سیاست‌ها که نیاز به قانونی شدن دارند، به علت وجود ساختارهای متعدد دخیل در امر قانون‌گذاری طولانی می‌شود. سیاست‌گذار باید با بذل توجه ویژه به زمان در هر مرحله از سیاست‌گذاری، از شناخت مشکل گرفته تا تدوین، اجرا و ارزیابی سیاست به عنوان چرخه‌های سیاست‌گذاری، از این آفت‌ها و آسیب‌ها دوری نماید تا بر اثربخشی و کارآمدی سیاست‌ها بیافزاید. امید است سیاست‌گذاران با بذل توجه کافی به این عامل مهم از اثرات نامطلوب نادیده گرفتن آن بکاهند.

۹. تعارض منافع

موردی برای گزارش وجود ندارد.

منابع

- احمدی، علیرضا؛ جعفری اسکندری، میثم؛ مرتجی، سید طه حسین؛ نوذری، حامد (۱۳۹۲). بهبود پیش‌بینی زمان اتمام پروژه بر مبنای اطلاعات سیستم مدیریت ارزش کسب شده. *مدیریت فردا*، ۳۷، ص ۱۹-۵.
- الوانی، سید مهدی (۱۳۹۲). *تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی*. تهران: سمت، چاپ هجدهم.
- الوانی، سید مهدی؛ شریف‌زاده، فتاح (۱۳۹۶). *فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی*. تهران: علامه طباطبایی، چاپ پانزدهم.
- بخشی‌زاده، علیرضا؛ کردناجی، اسدالله؛ خداداد حسینی، سید احمد؛ احمدی، پرویز (۱۳۹۵). تاثیر نگرش نسبت به تبلیغات تلویزیونی بر وفاداری مشتریان به مجتمع‌های تجاری (مورد مطالعه؛ مجتمع تجاری اطلس مال در سریال پایتخت ۳). *پژوهش‌های ارتباطی*، ۸۸، ص ۱۴۷-۱۲۵.
- پارسونز، واین (۱۳۹۲). *مبانی سیاست‌گذاری عمومی و تحلیل سیاست‌ها*. حمیدرضا ملک محمدی. تهران: مطالعات راهبردی، چاپ سوم، ج ۲.
- پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۹). *مدیریت راهبردی عصر مدار؛ رویکرد آینده‌پژوهانه به منافع عمومی*. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- پیرسون، پل (۱۳۹۳). *سیاست در بستر زمان*. محمد فاضلی. تهران: نشر نی.
- تاج مزینانی، علی اکبر؛ غفاری، غلامرضا؛ باقری، یاسر (۱۳۹۶). وضعیت زمان، مسئله بودگی و صورت‌بندی سیاست‌گذاری اجتماعی (مطالعه موردی؛ لوايح و طرح‌های مجلس هشتم و نهم). *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۳۳، ص ۳۶-۱.
- ترتزمان، فرانک؛ شاول، الیزابت (۱۳۹۷). *زمان، مصرف و زندگی روزمره*. ترجمه علیرضا مرادی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- حسن‌پور، حسینعلی؛ نوررنگ، احمد؛ نبی‌زاده، محمدحسین (۱۳۹۳). ارائه مدل زمان‌بندی مقاوم پروژه با منابع محدود و حل آن با استفاده از الگوریتم شبیه‌سازی تبرید. *پژوهش‌های مدیریت در ایران*، ۱، ص ۲۴-۱.
- دهشیار، حسین (۱۳۸۱). چارچوب تئوریک سیاست خارجی موفق. *سیاست خارجی*، ۴، ص ۱۰۵-۱۰۳.
- رز، ریچارد (۱۳۹۰). *سیاست‌گذاری عمومی مقایسه‌ای*. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- طاهرزاده، آرش (۱۳۹۷). تأثیر مدیریت زمان بر ریسک هزینه تمام شده در پروژه‌های تولیدی. *آفاق علوم انسانی*، ۱۷، ص ۸۷-۶۹.
- فهودی، علیرضا (۱۳۸۶). مدیریت زمانی پروژه‌ها. *کتاب ماه علوم و فنون*، ۹۰، ص ۶۷-۶۵.
- قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۹۵). *تصمیم‌گیری سازمانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی*. تهران: سمت، چاپ هفتم.
- مران جویری، مهدی؛ علیخانی، راضیه (۱۳۸۸). نظریه محدودیت‌ها. *حسابدار*، ۲۱۳، ص ۷۷-۷۴.
- مشبکی، اصغر (۱۳۷۳). فرآیند تصمیم‌گیری و اهمیت زمان. *مدیریت توسعه*، ۲۵، ص ۱۵-۱.
- ملک محمدی، حمیدرضا (۱۳۹۴). *مبانی و اصول سیاست‌گذاری عمومی*. تهران: سمت.

مورن، مایکل؛ رین، مارتین؛ گودوین، روبرت (۱۳۹۳). *دانشنامه سیاست‌گذاری عمومی*. ترجمه محمد صفار. تهران: میزان.

نریمانی، میثم (۱۳۹۲). *تأملاتی در طراحی سازوکارهای اقتصادی، اجتماعی با تاکید بر حوزه سیاست‌گذاری عمومی*. تهران: مهکامه.

وحید، مجید (۱۳۸۸). *سیاست‌گذاری عمومی*. تهران: میزان.